



روسیه و جنگ سرد نوین



میکونوس، نوری بر تاریکخانه ...



انقلاب فرهنگی یا زدودن ...



بازگشت به تهران



قطعه‌نامه‌ی اتحادیه‌ی اروپا و ...

تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

شماره ۶۲۷، یکشنبه، ۳۱ فروردین ماه ۱۳۹۳، ۲۰ آوریل ۲۰۱۴، ۵۰۰ تومان

فشار بر رژیم ایران ادامه دارد



دادگاهی در آمریکا حکم صادره و فروش اموال یکی از بنیادهای مالی رژیم ایران را تأیید کرد.

روز پنجشنبه، ۲۸ فروردین‌ماه، خبرگزاری رویترز از توافق دولت آمریکا و شاکیان خصوصی دولت جمهوری اسلامی ایران در پرونده مصادره و فروش ساختمان بنیاد علوی خبر داد.

بر اساس این توافق، درآمد ناشی از فروش اموال "بنیاد علوی" و شرکت‌های "آسا" در آمریکا، میان بازماندگان قربانیان حوادث تروریستی "مورد حمایت یا مشارکت جمهوری اسلامی" توزیع خواهد شد.

از جمله شاکیان این پرونده، خانواده‌های قربانیانی هستند که در بمب‌گذاری سال ۱۹۸۳ در پایگاه نیروی دریایی ارتش آمریکا در بیروت جان خود را از دست دادند. در این حادثه ۲۴۱ نفر جان باختند. شاکیان پرونده‌ی حملات تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ نیز از جمله‌ی این شاکیان هستند.

بنیاد علوی یک برج ۳۶ طبقه‌ای در خیابان پنجم محله‌ی منهن در نیویورک دارد که ارزش آن ۵۰۰ میلیون دلار برآورد شده است. ۴۰ درصد از آسمانخراش ۳۶ طبقه‌ای منهن در مرکز نیویورک متعلق به شرکت‌های "آسا"، وابسته به بانک ملی ایران و ۶۰ درصد دیگر متعلق به "بنیاد علوی" است.

به نقل از دادستانی نیویورک، بنیاد علوی و شرکت‌های "آسا" در فاصله

سفن

ناهید حسینی

درست است که شکل فیزیکی شهرها نتیجه‌ی کارکرد و فعالیت سازمان‌ها و ادارات دولتی و همچنین شرکت‌ها، بانک‌ها و نهادهای غیرحکومتی بزرگ و در کل، نیروهای بازار و دولت است، اما نقش و تأثیر مبارزات قشرهای مختلف جامعه‌ی انسانی و خصوصاً قشرهای محروم جامعه در جهت تغییر وضعیت زندگی خود غیر قابل انکار است. جامعه‌ی مدنی همواره نقش بسزا و چشمگیری در ایجاد تغییر در چگونگی زیست انسان‌ها در جامعه داشته است.

یکی از اهداف اصلی جنبش‌های اجتماعی و مدنی، بهبود وضعیت محیط زیست، اعتراض به آلوده‌سازی محیط زیست و هوای سالم، حفاظت از جنگل‌ها و پارک‌ها و در کل، فعالیت‌های نگهداری از محیط زیست است. در روزگار و دورانی هم که دولت بعنوان یک نهاد مسئول، از مسئولیت‌هایش دوری جسته و یا عمداً سعی در تخریب و از بین بردن محیط زیست دارد، نقش و فعالیت‌های سازمان‌های حفاظت از محیط زیست بیشتر بر جسته خواهد شد. مردم مسئولیت‌پذیر و فعال به صورت فردی یا جمعی و سازمانی، وظایف خود را در قبال جامعه به انجام می‌رسانند.

مدتی است که موج گسترده‌ای از فعالیت‌های مدنی و خصوصاً حفاظت از محیط زیست، کردستان ایران را فرا گرفته است. سرآغاز برجسته شدن این فعالیت‌ها به زمستان سال پیش باز می‌گردد که محمدعلی محمدیان آموزگار مقطع ابتدایی، جهت بهبود روانی دانش آموز بیمار خود که موهایش ریخته بود، سر خود را تراشید. انعکاس این اقدام شاید خارج از انتظار خود آقای محمدی هم بوده باشد، اما در مدت زمانی کوتاه در سطح جهان پوشش خبری گرفت و رسانه‌ای شد و گاردین بریتانیا در گزارشی از او تحت عنوان "قهرمان بی‌مو" نام برد. پس از آن نیز یک شکارچی اهل منطقه‌ی اورامان، به نشانه‌ی دوستی با طبیعت و مخالفت با شکار، بعنوان یک حرکت سمبلیک در روز والتاین، اسلحه‌ی شکاری خود را در ملا عام شکست. این حرکت‌ها تقریباً تمام شهرها و روستاهای کردستان را فرا گرفت. شکستن اسلحه، آزاد نمودن پرندگان و جانوران خانگی، سوزاندن قفس پرندگان، سوزاندن سیگار، پاکسازی محیط زیست از آشغال و پس‌مانده‌ی تفریحات، کاشت نهال و... از فعالیت‌هایی هستند که انجام شده‌اند. سیاست یعنی مبارزه با سیستم موجود، تغییر و یا ایجاد رفورم در آن و هر فعالیتی که دامنه‌ی اجتماعی داشته باشد و بر سطح فکر مردم تأثیرگذار باشد و سهم گسترده‌ای از مطالبات مدنی مردم را در بر گیرد، از این رو، فعالیت مدنی و سیاسی در کردستان به هم گره خورده و تنها در شیوه‌ی عملکردهایشان مجزا هستند.

به این ترتیب بنیاد علوی و شرکت‌های آسا به پولشویی برای دولت ایران نیز متهم شده‌اند.

در رویدادی دیگر، روز جمعه، ۲۹ فروردین‌ماه باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا با امضای لایحه‌ای به مخالفت با صدور ویزا برای حمید ابوطالبی، نماینده‌ی جدید ایران در سازمان ملل

سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ میلادی از محل دریافت اجاره‌ی دفاتر این آسمانخراش نزدیک به ۳۹ میلیون دلار درآمد داشته‌اند.

دادستانی نیویورک تأکید کرده است که این مبلغ به حساب بانک ملی و دولت ایران واریز شده که نقض تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

کشاکش غرب و شرق بر سر اوکراین

تشدید شد

اوکراین ادامه دارد.

به گزارش دویچه‌وله، شورشیان طرفدار روسیه در اوکراین اعلام کردند که شش تانک ارتش اوکراین را در یک شهر شرقی این کشور به تصرف خود درآورده و ۱۵۰ سرباز اوکراینی خود را تسلیم آنها کرده‌اند. ولادیمیر پوتین در یک پرسش و پاسخ تلویزیونی، به تهدید تلویحی دولت اوکراین پرداخت. او گفت که از پارلمان روسیه اختیار اعزام سرباز به اوکراین را دارد اما امیدوار است به چنین حقی متوسل نشود. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به خاطر بحران موجود در اوکراین حضور نظامی خود را در کشورهای شرق اروپا افزایش داد. آندرس فوگ راسموسن، دبیر کل ناتو روز چهارشنبه ۲۷ فروردین در بروکسل گفت چند کشتی و هواپیما و همچنین سربازانی به منطقه فرستاده شده‌اند.

الکساندر تورچینوف، رئیس‌جمهور موقت اوکراین ضمن دعوت به "وحدت ملی" وعده داده که به برخی از خواسته‌های جدایی‌طلبان هوادار روسیه در شرق این کشور پاسخ دهد. از جمله وعده‌های دولت موقت اوکراین تمرکززدایی از قدرت و همچنین تضمین استفاده از زبان روسی است.

رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر موقت اوکراین همچنین از احتمال تغییرات اساسی بیشتر و از جمله تمرکززدایی از قدرت و دادن اختیارات بیشتر به دولت‌های محلی خبر دادند. به رغم این که روز پنجشنبه ۱۷ آوریل در پایان نشست ژنو، دولت‌های اوکراین، آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا با روسیه درباره بحران شرق اوکراین به توافق رسیدند، اشغال مراکز دولتی توسط جدایی‌طلبان هوادار روسیه در شرق

اسد همچنان بر سر سوری‌ها بمب

شیمیایی می‌ریزه

و داریا، مناطق کفرزیتا، زورالحیصه، تمنعه و منطقه عطشان در حماه بوسیله هلیکوپترهای ارتش اسد و با بکارگیری بمب‌های بشکه‌ای آتش‌زای حاوی مواد سمی بمباران شده‌اند فعالان سوری همچنین روز پنجشنبه ۳۰ فروردین نیز گزارش دادند که جنگنده‌های ارتش اسد شهر حرستا را با گازهای سمی خفه‌کننده بمباران کرده‌اند. به گفته‌ی مخالفان، این دومین باری است که به مدت کمتر از یک ماه شهر حرستا با گازهای سمی مورد هجوم قرار می‌گیرد. طبق این گزارش، در بمباران منطقه حماه نیز شماری از غیرنظامیان بر اثر خفگی ناشی از مواد سمی جان خود از دست داده‌اند.

مرکز "ثبت موارد نقض حقوق بشر" در سوریه، روز شنبه ۳۰ فروردین‌ماه اعلام کرد، طی بررسی‌های این مرکز در سال جاری، مشخص شد که رژیم اسد بیش از ۱۴ بار در حملات خود به مناطق نظامی و غیرنظامی مخالفان از گازهای شیمیایی سمی استفاده کرده است. العربیه به نقل از مسئولان این مرکز گزارش داد، طی مدت کمتر از چهار ماه نخست سال جاری میلادی، ۲۲ تن از غیرنظامیان سوری بر اثر گازهای سمی کشته، و ۲۵۹ نفر دیگر زخمی شده‌اند. بنا به گزارش این مرکز، منطقه‌ی جوبر سه بار، داریا یک بار و منطقه عدرا دو بار مورد هجوم بمب‌های حاوی مواد شیمیایی سمی نیروهای اسد قرار گرفته‌اند. این گزارش می‌افزاید علاوه بر جوبر

قطعه‌نامه‌ی پارلمان اروپا، استقبال و نگرانی‌ها

هیأتی از نمایندگان مجلس رژیم ایران قرار بود این روزها بر طبق برنامه‌ریزی قبلی، از کشورهای اروپایی دیدار به عمل آورد و نشست‌هایی با هیأت‌های پارلمانی برگزار کند. لیکن این سفر لغو گردید و پس از تکرار درخواست انجام سفر، هیأت رئیسه‌ی مجلس اعلام نمودند که در اعتراض به قطعه‌نامه‌ی جدید پارلمان اروپا، از انجام این سفر خودداری خواهند کرد. پیشتر نیز مسئولان و سخنگویان مختلف رژیم، از سخنگوی رسمی وزارت خارجه گرفته تا امامان جمعه‌ی شهرها که نماینده‌ی ولی فقیه می‌باشند، در مخالفت با این قطعه‌نامه‌ی پارلمان اروپا سخن گفته و حتی با سخنان دور از نزاکت و اخلاق سیاسی، علیه اروپایی‌ها و پارلمان اروپا به اظهار نظر پرداخته بودند.

روز سوم آوریل ۲۰۱۴، کمیته‌ی روابط خارجی پارلمان اروپا پیش‌نویس قطعه‌نامه‌ای را به تصویب رساند که پس از تصویب در پارلمان اروپا تبدیل به استراتژی اروپا در رابطه با ایران خواهد شد.

این پیش‌نویس در کمیته‌ی روابط خارجی پارلمان اروپا به تصویب رسیده و تا رسیدن به تصمیم نهایی و تبدیل شدن به تصمیم اروپا زمانی طول خواهد کشید و این‌گونه اقدامات و رفتارهای رژیم تهران نیز با هدف اعمال فشار به انحای گوناگون به منظور جلوگیری از تصویب و یا لاقل کمرنگ ساختن و تضعیف این قطعه‌نامه انجام می‌گیرد.

آنچه سران و مقامات رژیم تهران را نگران نموده و آنان را به ابراز این گونه اظهارات دور از اخلاق سیاسی و دیپلماتیک در رابطه با اروپا و پارلمان اروپا وادار نموده، وجود چند نکته‌ی اساسی و بارز در این قطعه‌نامه است. محتوا و جوهره‌ی قطعه‌نامه که برای رژیم تهران مایه‌ی نگرانی است، عبارتند از:

نخست اینکه: طی این مدت، رژیم جمهوری اسلامی و مسئولان و حتی رهبر رژیم نیز کوشیده‌اند تا این باور را در افکار عمومی ملیت‌های ایران تثبیت نمایند که اختلاف عمده‌ی کشورهای غربی با رژیم تهران با توافق بر سر مسأله‌ی هسته‌ای حل خواهد شد و رژیم با دادن چند امتیاز اقتصادی و با اعمال فشار و تهدیدات تروریستی و اخلاگری در منطقه خواهد توانست کشورهای غربی را قانع نماید که بر سر پرونده‌ی هسته‌ای به توافق برسند و از سایر مسائل حرفی به میان نیاورند و از آن پس برای همیشه خواهد توانست فارغ از هر گونه تهدید خارجی، در داخل کشور به سرکوب و خشونت ادامه داده و امید ملیت‌های ایران و مردم آزادیخواه

دیدار هیأت کومله و حزب دمکرات

هیأت کومله‌ی انقلابی زحمتکشان کردستان ایران از دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کرد.

به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، روز شنبه ۲۳ فروردین‌ماه ۱۳۹۳، هیأت کومله‌ی انقلابی زحمتکشان کردستان ایران به سرپرستی "عبدالله مهتدی"، دبیرکل این حزب از دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار نمود و از سوی هیأت حدکا به سرپرستی "مصطفی هجری"، دبیرکل حزب مورد استقبال قرار گرفت.

وضعیت وخیم اقتصادی ایران و افزایش نرخ تورم، بیکاری، زانو زدن رژیم ایران در برابر کشورهای غربی به خاطر ترس از فروپاشی اقتصادی کشور و ... از جمله موضوعاتی بودند که مورد بحث و

اخبار و گزارش

گسترده‌ی مقامات رژیم در رابطه با این موضوع به شمار می‌روند.

محتوا، مفاد و بندهای این قطعه‌نامه از چند لحاظ قابل توجه و تأمل می‌باشند. در این قطعه‌نامه که پیشاپیش به قطعه‌نامه و مصوبات پیشین پارلمان و مقامات اروپایی و همچنین سازمان ملل متحد و تصمیمات و میثاق‌های جهانی در رابطه با آزادی و حقوق بشر اشاره شده، بر مبنای همین اشارات و همچنین با توجه به مباحث و گفتگوهای مربوط به پرونده‌ی هسته‌ای ایران، استراتژی و چگونگی رفتار اروپا با رژیم ایران در آینده مشخص شده است.

استراتژی اروپا در این قطعه‌نامه به چهار محور تقسیم شده و در ۲۳ بند به شرح زیر مندرج گردیده است:



۱. پرونده‌ی هسته‌ای ایران، در ۳ بند
۲. آینده‌ی روابط ایران و اروپا، در ۷ بند

۳. مسائل منطقه‌ای، در ۳ بند
۴. مسأله‌ی حقوق بشر، در ۹ بند
آنچه مایه‌ی تأمل و دقت بیشتر می‌باشد، محورهای سوم و چهارم هستند که به بحث از مسائل منطقه‌ای و مسأله‌ی حقوق بشر در ایران می‌پردازند. در بخش مسائل منطقه‌ای به بحث از مشکلات و ناآرامی‌ها در سوریه، کشورهای حوزه‌ی خلیج و همچنین مسأله‌ی افغانستان می‌پردازد.

در این بخش چند نکته قابل تأمل است:

—در تمامی بندها گفته شده است که از طریق دیالوگ و مذاکره، ایران در تأمین ثبات و صلح در منطقه نقش خواهد داشت. این امری است که مغایر با اقدامات رژیم بوده گرچه شاید در گفتگوها و مذاکرات

رسمی و دیپلماتیک خود را طرفدار صلح و ثبات وانمود کند، لیکن در میدان عمل، بقای خود را در تداوم ناآرامی در منطقه و کشورهای پیرامون خویش می‌بیند.

در رابطه با مسأله‌ی سوریه، هر چند گفته شده که رژیم ایران در فرایند صلح و آشتی و در پایان دادن به خونریزی‌ها نقش ایفا نماید، اما این موضوع فراموش شده است که پشتیبان اصلی بشار اسد در سرکوب، جرم و جنایت و کشتار، رژیم تهران است و به‌ویژه مسأله‌ی مشارکت نیروهای سپاه قدس در سرکوب مردم سوریه به دست فراموشی سپرده شده است.

در رابطه با مسأله‌ی افغانستان و مواد مخدر نیز این موضوع فراموش شده است که جمهوری اسلامی به صورت پنهانی به نیروهای نزدیک به طالبان کمک و یاری می‌رساند تا در افغانستان امنیت برقرار



نگردد و تأمین نشود و در واقع، رژیم تهران در ترانزیت مواد مخدر به اروپا و توزیع آن در میان مردم ایران و کشورهای همسایه دست دارد و در این رابطه، سپاه پاسداران نقش اصلی را ایفا می‌نماید.

از همه مهمتر برای ملیت‌های تحت ستم و خواهان آزادی در ایران، این است که در محور چهارم استراتژی اروپا در این قطعه‌نامه که در ۹ ماده تنظیم شده است و به شیوه‌ای دقیقتر از حقوق بشر و حقوق سیاسی و مدنی مردم در ایران سخن رفته و اظهار می‌دارد که در روایتی که با ایران در آینده خواهد داشت، می‌بایستی این موارد مدنظر قرار داده شوند و موضوع حقوق و آزادی‌های مردم و قراردادها و موافقت‌نامه‌های مربوطه، بخشی از موضوعات مورد بحث و گفتگو با حکومت تهران باشند. آنچه که در این‌باره در این قطعه‌نامه آمده است، هم نقاط ضعف دارد و هم مواردی را در بر می‌گیرد که قابل

کردستان

پشتیبانی و استقبال می‌باشد.

اگر در ابتدا به نقاط ضعف در این قطعه‌نامه اشاره شود، عبارتند از:

– نخست اینکه تنها در بخش مقدمه و دیدگاه از اقلیت‌های ملی سخن به میان آمده و به اعدام و سرکوب فعالان حقوق اقلیت‌ها اشاره شده است. این در حالیست که در بخش چهارم این قطعه‌نامه که به دقت از جوانب مختلف حقوق بشر و نیازمندی‌های آن بحث شده است، می‌بایستی به صورت واضح، حقوق ملیت‌های تحت ستم مورد بحث قرار می‌گرفت و بر وجود ملیت‌های تحت ستم در ایران تأکید می‌شد و از مطالبات و خواسته‌های سیاسی و انسانی آنان بر اساس موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای جهانی حمایت و پشتیبانی می‌شد.

دوم اینکه در مفاد این قطعه‌نامه، به سابقه‌ی نقض حقوق مردم از سوی رژیم تهران اشاره نشده و به‌ویژه درباره‌ی محکوم شدن این رژیم در سطح جهانی سخنی به میان نیامده است و به منظور مدنظر قرار دان این موضوع در استراتژی آینده نیز می‌بایستی به پایبند نبودن جمهوری اسلامی به تمام وعده و وعیدهایش و همچنین موافقت‌نامه‌هایی که آنها را امضا نموده، اشاره می‌شد.

سومین نقطه ضعف این قطعه‌نامه، این است که تجربه‌ی گذشته به اثبات رسانده که جمهوری اسلامی تنها در صورت تحت فشار و در خطر سرنگونی قرار گرفتن، زانو می‌زند و در مقابل خواسته‌های جامعه‌ی جهانی سر فرود می‌آورد و تسلیم می‌شود.

در این استراتژی اروپایی، ابزارهای تحت فشار قرار دادن رژیم ایران برای صیانت از حقوق مردم لحاظ نشده است و این امر، این نگرانی را ایجاد می‌نماید که در روند گفتگو و مذاکره درباره‌ی مسأله‌ی هسته‌ای و نیز رشد و توسعه‌ی بازرگانی و روابط اقتصادی، مسأله‌ی حقوق مردم به کلی به حاشیه رانده شود و مورد بحث قرار نگیرد.

اما آنچه که در این قطعه‌نامه می‌توان از آن استقبال و پشتیبانی نمود، این است که علیرغم فشار و تبلیغات رژیم تهران، مسأله‌ی حقوق بشر و بحث از وجود ظلم و ستم و سرکوب در ایران در قطعه‌نامه‌ی استراتژی اروپایی فراموش نشده است و در چند مورد، از آن صحبت شده است که چه جنبه‌هایی از حقوق سیاسی و مدنی مردم نقض شده‌اند و هیأت‌های اروپایی در مذاکرات و نشست‌هایشان با رژیم ایران بر این موارد و موضوعات تأکید نمایند.

- حزب دمکرات کردستان ایران**
- کمیسئون تبلیغات**
- ۲۷ فروردین‌ماه ۱۳۹۳ خورشیدی**

شرکت نماینده‌ی حزب دمکرات

در کنفرانس "حقوق اقلیت‌های اوکراین" در بلژیک



در حاشیه‌ی این کنفرانس، هیأت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در بلژیک، با "الازلو توکیش" عضو پارلمان اروپا و وابسته به حزب دمکرات‌مسیحی و همچنین پروفیسور "دیرک روختوس" عضو هیأت اجرایی "اتحادیه‌ی جدید فلامان" دیدار کرد.

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران

شرکت نماینده‌ی حزب دمکرات در نشست پارلمان اروپا

این دیدار سخنانی در رابطه با موضوع نشست ارائه داد و در رابطه با این موضوع گفت: "نقض حقوق زنان تنها مختص اقلیم کردستان نیست و در تمام جهان، چنین پدیده‌ای وجود دارد و این وضعیت نیز تنها با تصویب قوانین امروزی و مدرن به پایان نمی‌رسد."

نماینده‌ی حدکا در بلژیک در ادامه‌ی سخنان خود در پارلمان اروپا افزود: "نقض حقوق زنان در کشورهای تحت حاکمیت رژیم‌های دیکتاتور از جمله رژیم ایران بسیار چشمگیرتر می‌باشد." کشتن فعالین حقوق زنان و درخواست مورد بحث و بررسی قرار دادن وضعیت حقوق بشر در ایران و به‌ویژه نقض حقوق زنان در نشست‌های پارلمان اروپا، دیگر بخش‌های سخنان نماینده‌ی حدکا در بلژیک را به خود اختصاص داده بود.

نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در کشور بلژیک، در یک نشست در پارلمان اروپا که در رابطه با وضعیت زنان در اقلیم کردستان برگزار شد، حضور یافت.

به گزارش وب‌سایت کردستان میدیا، جمیل فتحی، نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در بلژیک، در نشستی در رابطه با وضعیت زنان در اقلیم کردستان که در پارلمان اروپا برگزار شد، شرکت کرد.

در این نشست که از سوی "آنا گومز"، نماینده‌ی پارلمان پرتغال وابسته به اتحادیه‌ی پیشرو سوسیال دمکرات‌های پارلمان اروپا و سازمان زندگی در اقلیم کردستان در پارلمان اروپا تشکیل شده بود، نماینده‌ی حزب دمکرات به صورت رسمی دعوت شده بود.

فتحی، نماینده‌ی حزب دمکرات در

پیام تبریک دبیر کل حزب به مناسبت تأسیس حزب دمکرات کردستان سوریه



که کردستان سوریه در آن قرار دارد، به دنبال داشته باشد.

بدین مناسبت از جانب حزب دمکرات کردستان ایران، مراتب تبریک و تهنیت خویش را عرض می‌نماییم و موفقیت شما را در مقابله با موانع پیش‌روی اتحاد و برادریتان آرزومندیم. خواهشمند است که مراتب تبریک ما را به تمام اعضای کمیته‌ی مرکزی و اعضای دفتر سیاسی خویش اعلام دارید.

حزب دمکرات کردستان ایران
دبیر کل
مصطفی هجری

با درود

خبر اتحاد چهار حزب کردستان سوریه تحت عنوان حزب دمکرات کردستان سوریه برای ما جای بسی خوشحالی بود، به‌ویژه که این اتحاد پس از روند تجزیه و انشعابات احزاب کرد سوریه در مدت چند سال گذشته به وقوع پیوست. امیدواریم این اتحاد منجر به آغاز فرایندی دیگر به منظور هرچه بیشتر نزدیک شدن به یکدیگر و اتحاد احزاب این بخش از کردستان عزیز شود و در نتیجه مدیریت و اداره‌ی مشترک کردستان سوریه توسط تمام احزاب و جریانات مختلف را در وضعیت حساسی

دیدار نماینده‌ی حدکا با یک عضو پارلمان ایرلند



ایران به سرپرستی "هلاله احمدی" با "لوک فلانگن"، عضو پارلمان ایرلند دیدار کرد.

وضعیت کنونی ملیت‌های ساکن ایران، وضعیت حقوق بشر و آزادی‌های ملیت‌های ساکن ایران و سیاست‌های رژیم ایران در قبال این ملیت‌ها، از جمله مباحثی بودند که در این دیدار مورد بحث و گفتگو قرار گرفتند. شرایط زندانیان سیاسی، اعدام در ایران و همچنین مباحثی پیرامون تاریخچه‌ی حزب دمکرات کردستان ایران، موضوعات دیگر مورد بحث در این دیدار بودند.

به گزارش کوردستان میدیا، روز دوشنبه ۱۱ فروردین‌ماه، هیأت نمایندگی حزب دمکرات کردستان

هیأتی به نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در کشور ایرلند با یک عضو پارلمان این کشور دیدار کرد.

سمکو خورشیدی، زندانی سیاسی کرد اعدام شد



سیاسی کرد به نام‌های رضا اسماعیلی، حبیب‌الله گلپری‌پور و شیرکو معارفی در زندان‌های رژیم ایران اعدام شدند.

اتهام محاربه از طریق عضویت در یکی از احزاب کرد اپوزسیون رژیم ایران به اعدام محکوم گردید. پائیز سال گذشته نیز سه زندانی

سمکو خورشیدی، زندانی سیاسی کرد

اهل شهرستان سقز در زندان دیزل‌آباد

کرمانشاه اعدام شد.

به گزارش آژانس خبررسانی کردپا، روز پنجشنبه ۲۸ فروردین‌ماه سال ۱۳۹۳، حکم اعدام سمکو خورشیدی، فرزند فیض‌الله، زندانی سیاسی کرد سقزی در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه اجرا گردید.

این زندانی سیاسی کرد ۳۲ ساله و اهل شهرستان سقز، در هشتم فروردین‌ماه سال ۱۳۹۰، پس از اصابت گلوله به وی در یکی از اتوبان‌های حومه‌ی تهران از سوی مأموران وزارت اطلاعات رژیم، بازداشت شد.

پس از گذشت یک سال و در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۱، توسط دادگاه انقلاب سقز به ریاست قاضی "شایق"، به

ناحیه‌ی ۵۰ هزار نفری نایسر در سنج، فاقد دبیرستان است



۶۰۰ خانوار جمعیت از دبیرستان برخوردار نمی‌باشد و دانش‌آموزان دبیرستانی برای ادامه‌ی تحصیل مجبور به پیمودن مسافت‌های طولانی و متحمل شدن مخارج زیادی می‌شوند. گزارش‌ها حاکی از این می‌باشند که مخارج زیاد باعث افزایش پدیده‌ی ترک تحصیل در میان دانش‌آموزان این روستا شده است.

علیرغم بالا بودن رقم ساکنین این ناحیه، اما از هیچ‌گونه خدمات بهداشتی، درمانی و آموزشی برخوردار نیست. عدم ارائه‌ی خدمات آموزشی در شهرها و روستاهای کردستان از سوی رژیم ایران کاملاً به شیوه‌ای سیستماتیک و هدفمند پیش می‌رود. در همین ارتباط، روستای "درکی" از توابع اورامان نیز با بیش از

ناحیه‌ی منفصل شهری نایسر که بیش از یک هزار و پانصد دانش‌آموز دبیرستانی دارد، فاقد دبیرستان می‌باشد.

به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، بیش از ۱۵۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی ناحیه‌ی منفصل شهری نایسر که در فاصله‌ی ۵ کیلومتری سنج واقع شده است، از نبود دبیرستان رنج می‌برند.

دانش‌آموزان این ناحیه‌ی منفصل شهری، برای حضور در کلاس‌های درس، روزانه مجبور به پیمودن مسافت‌هایی طولانی هستند.

مناطق حاشیه‌ای و همچنین نواحی منفصل شهری سنج، همچنان از کمبود امکانات و خدمات رفاهی رنج برده و مسئولین نیز نسبت به رفع مشکلات ساکنین هیچ توجهی ندارند.

با توجه به جدیدترین آمارهای موجود، ناحیه‌ی منفصل شهری نایسر حدود ۵۰ هزار سکنه دارد.

کرمانشاه بیکارترین استان ایران

به میانگین کشوری ۴/۲ درصد بیشتر می‌باشد.

آمار منتشره نشانگر بیکاری ۲۰/۷ درصدی شهروندان کرمانشاهی در فصل زمستان سال ۹۲ می‌باشد که این رقم، کرمانشاه را در صدر بیکارترین استان‌های ایران قرار داده است.

در همین ارتباط، استان سنجند نیز با نرخ بیکاری ۱۶/۱ درصد و با افزایش ۲ درصدی این نرخ نسبت به آمارهای قبلی، دومین استان بیکار ایران طی سال ۹۲ می‌باشد.

استان کرمانشاه با نرخ بیکاری ۲۰/۷ درصدی در زمستان سال گذشته، بیکارترین استان ایران لقب گرفت.

به گزارش کوردستان میدیا و با استناد به آمارهای منتشره از سوی مرکز آمار ایران، استان کرمانشاه با نرخ بیکاری ۱۴/۶ درصد یکی از بیکارترین استان‌های ایران طی سال ۹۲ بوده است.

بر اساس جدیدترین آمارها، نرخ بیکاری کرمانشاه در سال ۹۲ نسبت

تأیید حکم اعدام دو زندانی سیاسی کرد

از سوی دیوان عالی رژیم



دیوان عالی رژیم، حکم اعدام دو زندانی سیاسی کرد به نام‌های محمد عبدالهی و مصطفی سلیمی را تأیید کرد.

خبرگزاری دیدبان حقوق بشر کردستان اعلام کرد، حکم اعدام محمد عبدالهی زندانی سیاسی ۳۵ ساله‌ی کرد اهل مهاباد و مصطفی سلیمی زندانی سیاسی اهل شهرستان سقز را تأیید کرده و هم‌اکنون احتمال اجرای حکم اعدام این دو زندانی وجود دارد.

محمد عبدالهی در مورخه‌ی ۴ فروردین ۸۹ در منزل شخصی خود بازداشت و در ۳۰ فروردین‌ماه ۱۳۹۲، وی را به اتهام "محاربه از طریق همکاری با یکی از احزاب کرد مخالف رژیم" در شعبه‌ی یک دادگاه انقلاب به اعدام محکوم کردند.

مصطفی سلیمی زندانی سیاسی کرد محکوم به اعدام در ۱۸ فروردین‌ماه ۱۳۹۳ به نشانه‌ی اعتراض به حکم صادر شده‌ی دستگاه قضایی رژیم اعتصاب کرده و در نهمین روز از اعتصابش، نیروهای امنیتی رژیم وی را به سلول انفرادی انتقال دادند.

مصطفی سلیمی فرزند عبدالله و ساکن روستای "ایلو" در منطقه‌ی تیلکو، سال ۱۳۸۲ به اتهام "عضویت در یکی از احزاب کرد مخالف رژیم" در شهر نهاوند از توابع لرستان بازداشت و سپس حکم اعدام وی به اتهام "اقدام علیه امنیت کشور از طریق محاربه" توسط دستگاه قضایی رژیم صادر شد.

روسیه و جنگ سرد نوین

فاتح صالحی

جان میرشایمر بر این عقیده است که: "پایان جنگ سرد سبب بازگشت به سیاست سنتی توازن قوای چندگانه می‌شود که در گذشته باعث بروز ناسیونالیسم و رقابت‌های ملی و بی‌ثباتی و منازعات پراکنده شده بود". نامبرده جنگ سرد را دوران صلح و ثبات می‌داند که به جهت استیلای ساختار دو قطبی ایجاد شده بود. به عقیده‌ی میرشایمر، با فروپاشی این نظام به نوعی رقابت قدرت‌های بزرگ که روابط سده‌ی ۱۷ را شکل داده بود، بازآفرینی می‌شود."

صف‌بندی‌های نوین در نظام بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت. اتحاد جماهیرشوروی با توجه به تقابل مستقیم و وارد کردن ضربات مهلک و کاری به نیروهای آلمانی و همچنین نزدیکی این کشور به مرزهای آلمان از طریق دستیابی به شرق و مرکز اروپا، برگ برنده‌ای بود که تبدیل شدن به ابرقدرتی پس از جنگ برای این کشور را رقم زد. در نهایت، این کشور پس از جنگ جهانی دوم به عنوان ابرقدرتی در کنار ایالات متحده‌ی آمریکا ظهور یافت. بر این اساس، شکل‌گیری نظام دو قطبی، شروع نوعی چالش و تضاد را در نظام بین‌المللی به ثبت رساند که ایالات متحده‌ی آمریکا و شوروی سابق آن را رهبری می‌کردند.

ایالات متحده‌ی آمریکا با استفاده از مبانی و هنجارهای لیبرالی و از طریق ایجاد سازمان‌های بین‌المللی و نظم اقتصادی بین‌المللی به نوعی توانست نظام سرمایه‌داری را در بیشتر کشورهای جهان نهادینه نماید و با عقب راندن اتحاد جماهیر شوروی در زمینه‌های مختلف و وارد آوردن ضربات سنگین اقتصادی در دهه‌ی پایانی رقابت به رهبری ریگان، در نهایت سقوط اتحاد جماهیر شوروی را رقم بزند و این سقوط نقطه‌ی پایان چند دهه جنگ سرد شد و سبب گردید ایالات متحده‌ی آمریکا به عنوان یگانه ابرقدرت



جهان مطرح شود.

اما سیاست‌های داخلی و خارجی ایالات متحده‌ی آمریکا و کشمکش‌های درونی سردمداران و سیاستمداران این کشور و تفاوت دیدگاه و رویکردهای آنان در قبال مسائل و مناسبات سیاسی، جغرافیایی و دینی و مذهبی مناطق مختلف جهان و موانع و مشکلات عدیده‌ی نظام سرمایه‌داری و معضلات ناشی از چند جنگ پس از پایان جنگ سرد و ظهور جبهه‌ی تروریسم دولتی و فرقه‌ای و به‌ویژه روی کار آمدن باراک اوباما به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا - که بر این باور است که آمریکا نباید به تنهایی مشکلات جهان را به دوش بکشد و نباید به عنوان تنها ابرقدرت جهان امروز در فکر حل مشکلات و مسائل مربوط به نظام بین‌الملل باشد- سبب گردید که آمریکا نتواند به خوبی از فرصت به وجود آمده که پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی به دست آورده بود، بهره ببرد و با در پیش گرفتن مجموعه‌ای از سیاست‌های اشتباه در قبال کشورهای همچون جمهوری اسلامی ایران، کره‌ی

آینده‌ی حضور نیروهای نظامی آنان در افغانستان و همچنین در سه سال گذشته با سقوط و سرنگونی بعضی از دوستان و متحدانش در خاورمیانه و شاخ آفریقا و از همه مهمتر در جریان جنگ سوریه و بی‌تفاوتی این کشور در قبال دیکتاتوری مثل بشار اسد و در چند ماه گذشته در بحران اوکراین و در ماه گذشته در فرایند جدایی منطقه‌ی خودگردان کریمه و در روزهای اخیر با شروع روند جدایی‌طلبی و درخواست همه‌پرسی برای اعلام استقلال از شرق اوکراین در ایالت‌های دونتسک، لوهانسک، خارکف و اسلاویانسک به خوبی نمایان می‌گردد.

اما روسیه برخلاف آمریکا با فعال نمودن سیاست خارجی خویش و نوسازی زیربنای اقتصادی و صنعتی کشور و افزایش درآمدهای خالص و ناخالص ملی و افزایش سرانه‌ی عمومی شهروندان آن کشور در نتیجه‌ی افزایش بهای نفت و گاز در بازارهای جهانی، در سطح اقتصادی و در همان حال در سطح سیاسی، استفاده از حق وتو در سازمان ملل متحد به سود منافع و حفظ مصالح خود در منطقه و جهان و به‌ویژه خاورمیانه و پشتیبانی از رژیم‌های خودکامه‌ای مثل جمهوری اسلامی ایران و رژیم سرکوبگر سوریه و حتی حمایت از کره‌ی شمالی و نظام‌های دیکتاتوری همچون ونزوئلا و کوبا، به شکلی آشکار در حال اثبات این مدعاست که جهان یک‌قطبی به رهبری آمریکا به پایان راه خود نزدیک می‌شود و دوره‌ای نوین از جهانی دوقطبی دوباره در حال شکل‌گیری است. جهانی دوقطبی که با خود مرحله‌ای نوین از جنگ سرد را به میان خواهد آورد. جنگی سرد که در جریان حمایت روسیه از سوریه و استفاده از حق وتو و ایستادن در برابر آمریکا و همچنین دخالت نظامی در منطقه‌ی خودمختار کریمه و به رسمیت شناختن همه‌پرسی آن شبه‌جزیره و الحاق آن به خاک روسیه بیش از هر مرحله‌ی دیگری خود را نمایان می‌سازد و به نظر می‌رسد که در آینده و بر اساس قطب‌بندی‌هایی که در حال ظهور هستند، نمونه‌هایی همچون شبه‌جزیره‌ی کریمه که در نوع خود می‌تواند سند قابل استنادی برای ملت‌هایی باشد که می‌خواهند از حق تعیین سرنوشت خویش بهره ببرند، رو به فزونی یابد.

در هر صورت، رویدادهای اخیر شبه‌جزیره‌ی کریمه و همچنین بحران اوکراین و به‌ویژه شرق این کشور یعنی ایالت‌های دونتسک، لوهانسک، خارکف و اسلاویانسک و درگیری نظامی نیروهای ضدشورش اوکراین با جدایی‌طلبان آن ایالت‌ها و واکنش آمریکا و اروپا می‌تواند نقطه‌ی عطفی در سطح مناسبات سیاسی منطقه و جهان و ظهور مجدد مسأله‌ی ملی‌گرایی و مطالبه‌ی حق تعیین سرنوشت، به خصوص برای ملیت‌هایی باشد که سالیان مدیدیست برای احقاق این حق مبارزه می‌نمایند. با این تفاوت که برخلاف عقیده‌ی "جان میرشایمر" در این دور از جنگ سرد، پایان یافتن جنگ سرد سبب بروز و تقویت احساس ملی‌گرایی نمی‌شود، بلکه آنگونه که از شواهد و قرائن پیداست، بعید نیست این رقابت و تخاصم آمریکا و روسیه و متحدانشان، مرحله‌ای نوین برای جبهه‌بندی کشورهای جهان و با اندکی خوشبینی، برای دست‌یافتن به حق حاکمیت ملی و خودگردانی و حتی استقلال برای خلق‌های ستم‌دیده و اقلیم‌ها و حکومت‌های محلی کوچک باشد که برای خود شبه‌کشوری هستند و از این منظر تصور نمی‌شود که این دوره از جنگ سرد که محتمل است به عنوان جنگ سرد جدید معروف گردد، زمانی برای صلح و ثبات باشد، بلکه احتمال می‌رود به آتشی مبدل گردد که مرزها و حصارهای دیکتاتوری را درنوردد و چشم‌اندازی برای نگاه به آینده‌ای روشن‌تر با سیاستی جغرافیایی و جغرافیای سیاسی نوینی گردد.

اما مسأله‌ای که در اینجا حائز اهمیت است و جای تأمل دارد، چگونگی برخورد آمریکا و متحدانش در اروپا و ازین سو، واکنش روسیه و هم‌پیمانانش در آسیا، نسبت به رویدادهای منطقه و به‌ویژه شرق اوکراین و منطقه‌ی خاورمیانه است. چراکه سیاست‌ها و استراتژی روسیه و آمریکا و حتی اروپا و بعضی کشورهای آسیایی مثل چین - در مقیاسی کوچک‌تر از آمریکا و روسیه - می‌تواند مستقیم و غیرمستقیم بر مناسبات و معادلات ملیت‌های تحت ستم جهان و منطقه‌ی خاورمیانه، به‌خصوص ملت کرد تأثیرگذار باشد که به نحوی از انحاء در حال تقسیم شدن میان این دو جبهه است.

مردم برخوردار است.

اگرچه پیروزی BDP در چنین انتخابات دمکراتیکی مایه‌ی خرسندی است و هر کرد مبارز و آزادیخواهی که قلبش برای آزادی و دمکراسی می‌تپد با پیروزی BDP در انتخابات احساس شادمانی و غرور می‌کند، ولی با در نظر گرفتن جمعیت کردها در کردستان ترکیه و با توجه به مبارزاتشان برای حقوق ملی، انتظار می‌رفت که آرای بیشتری کسب نمایند. بدین جهت، احزاب کرد مخصوصا BDP که خود را نماینده‌ی مردم کردستان ترکیه معرفی می‌کند، لازم است که برای نزدیکی و اتحاد میان خویش، با هدف دستیابی به حقوق ملی کردها از هیچ تلاشی فروگذار نکنند و مصالح ملتشان را سرلوحه‌ی کار و فعالیت‌هایشان قرار دهند (حزب عدالت و توسعه در پارلمان ترکیه، نسبت به BDP نمایندگان کرد بیشتری دارد و بدین جهت، بیش از BDP خود را نماینده‌ی راستین ملت کرد معرفی می‌کند).

به امید اینکه شهرداران کرد در کردستان ترکیه، ضمن کار و سازندگی و خدمت به مردم و علیرغم وجود موانع قانونی بر سر راهشان، در جهت گسترش فرهنگ و زبان ملتشان از هیچ تلاشی فروگذار نکنند و خدماتی درخور این ملت ستم‌دیده انجام دهند و با افزودن سنگی بر دیوار بنای دمکراسی در ترکیه، گام به گام به تأسیس حکومتی کردی که منافع همه اقلیت‌های ملی و مذهبی را پاس بدارد، نزدیکتر شویم.

انتخابات ترکیه این بار رفراندوم بود



ترکیه، پایتخت و سمل مبارزه و سنگر مقاومت محسوب می‌شود، می‌بایستی BDP برای کسب اکثریت مطلق آرا مبارزه می‌کرد، هرچند که AKP از امکانات زیادی برای نفوذ در میان اقشار

حاکم هم برای به دست آوردن آن از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد، دیاربکر بود. هرچند که BDP توانست این شهرداری را به دست بیاورد، ولی با توجه به اینکه، شهر دیاربکر برای کردهای

مجموعاً ۵/۶ درصد آرا را به دست آورده بودند، ولی در این انتخابات ۶/۷ درصد آرا را کسب نمودند. همچنین BDP توانست شهرداری‌های ماردین - آگری و بتلیس را هم از AKP پس بگیرد. هرچند که BDP در شهر "اورفا" نتوانست اکثریت آرا را به دست بیاورد، ولی نسبت به انتخابات سال ۲۰۰۹ که ۱۰ درصد آرا را به دست آورده بود، این بار توانست ۳۰ درصد آرای رأی‌دهندگان را کسب نماید که شاید دلیل این افزایش، به میدان آمدن کاندیدای قدرتمند و با نفوذی همچون عثمان بایدمیر، شهردار پیشین دیاربکر بود.

بدین ترتیب، در این انتخابات AKP ۴۹ شهرداری، CHP ۱۳، BDP ۱۱ و MHP ۸ شهرداری را به دست آوردند. همچنین سنتی و مذهبی بودن جامعه‌ی کردستان این بار نیز راه را برای احزاب اسلامی همانند PAR - HUDA و SP (حزب سعادت) هموار کرد و این احزاب توانستند آرای به دست بیاورند. حزب HUDA - POR توانست ۲/۵ درصد آرا را کسب کند که بیشترین آرا را در شهر باتمان به دست آورده بود. ولی مهمترین شهرداری که حزب

شهاب خالدی

انتخاباتی که روز سیم مارس ۲۰۱۴ در ترکیه برگزار شد، هم برای کردهای ترکیه و هم برای حزب حاکم عدالت و توسعه (AKP)، پس از رویدادهای مهمی چون اعتراضات پارک "گزّی"، افشای فساد مالی برخی از اعضای بلندپایه‌ی حزب عدالت و توسعه و اوجگیری اختلاف میان اردوغان و فتح‌الله گولن و همچنین پخش فیلم‌هایی از اردوغان و اوجالان در شبکه‌های اجتماعی، از اهمیت خاصی برخوردار بود و به نوعی رفراندومی برای سنجش میزان نفوذ آنان در میان اقشار مردم ترکیه بود.

در این انتخابات AKP در سطح ترکیه و BDP در سطح کردستان ترکیه با کسب آرای چشمگیر، پیروز انتخابات بودند. AKP که در انتخابات سال ۲۰۰۹، ۳۸درصد آرا را کسب کرده بود، این بار نیز با اختصاص ۴۸ درصد آرا به خود، توانست بر رقیبانش پیروز شود.

BDP نیز نسبت به انتخابات سال ۲۰۰۹ آرای بیشتری به دست آورد. BDP و HDP در انتخابات سال ۲۰۰۹،

روژنه

روند صلحی نافر جام

ترجمه: رضا فتح‌الله‌نژاد

سایت "اکنونمیست" مقاله‌ای تحت عنوان "اسرائیل - فلسطین، روند صلحی نافر جام" منتشر نموده است. در این مقاله مفصل که توسط هیأت تحریریه‌ی "اکنونمیست" نگاشته شده، به موضوع معادلات کنونی در راستای صلح میان اعراب و اسرائیل و مواضع و نیروی طرف‌های درگیر در معادله پرداخته شده است.

چند پاراگراف ابتدای مقاله به توضیح دیدگاه‌های هر یک از وزرای بلندپایه‌ی کابینه‌ی نتانیاها و تعداد کرسی‌های احزاب هر یک از آنها در کنست اختصاص داده شده است. سپس آمده است: "اکثریتی از اعضای کنست در جبهه‌ی دولت اسرائیل و اکثریتی از وزیران، مخالف راه‌حل "دو دولت" یا "راه میانه" هستند، آنها بخشی از دولت به شمار می‌روند که آقای کری به سختی می‌تواند رویشان حساب باز کند".

نگارنده تنها راه پشت سر نهادن این وضعیت را در این می‌بیند که نتانیاها در حزبش، حزب لیکود در مقابل مخالفان طرح دو دولت بایستند و سپس ائتلافش با احزاب دیگر را برهم زند و ائتلافی دیگر این‌بار به ویژه با حزب کارگر که ۱۲ کرسی در پارلمان دارد، برپا کند. در ادامه آمده است: "نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که سه‌چهارم اسرائیلی‌ها طریق دو دولت را قبول دارند" و "برخی از ناظران معتقدند آقای نتانیاها در برداشتن چنین گام قاطعی جدا مردد است، اما تونی بلر، به عنوان نماینده‌ی صلح "چهارگانه"ی سازمان ملل متحد، آمریکا، روسیه و اتحادیه‌ی اروپا هنوز امیدوار است که آقای کری از شانس ازسرگیری مذاکرات بر اساس مرزهای سال ۱۹۴۷ و واگذاری خاک به مثابه اساسی برای پیشرفت به سوی "مرحله‌ی بعدی" برخوردار باشد."

در مقاله به آخرین رویدادهای روند صلح و به ویژه تلاش‌های جان کری، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا و خواست‌های نتانیاها و عدم عقب‌نشینی وی از مواضع خود و نیز اختلاف نظر در جبهه‌ی فلسطینی‌ها اشاره شده است.

در پایان آمده است: "شواهد امر دال بر این هستند که اسرائیل قدرتمند بوده و جنبش فلسطینی‌ها ضعیف می‌باشد. حتی اگر سازمان ملل وجود یک دولت فلسطینی را اعلام می‌کرد، در این حالت شبهه‌دولت می‌بود نه یک دولت واقعی. اما جای بحث ندارد که اسرائیل نمی‌تواند اطمینان داشته باشد که این وضعیت همیشگی خواهد بود."

منبع:
Economist.com

میکونوس، نوری بر تاریکخانه‌ی اشباح



مسئولین بلندپایه و تراز اول این رژیم به عنوان سازمان‌دهنده و عامل اصلی این جنایت شناسانده شدند و این اقدام رژیم به عنوان تروریسم دولتی معرفی شد. در پایان تروریسم دولتی مسأله‌ی بسیار مهمتر اشاره نماییم که نشست با اپوزیسیون جمهوری اسلامی که حزب دمکرات و رهبری این حزب و در رأس همه‌ی آنها زنده‌یاد شهید دکتر صادق شرفکندی، دبیرکل این حزب در جهت برگزاری و تشکیل آن تلاش می‌نمود، نشانگر حدت اندیشه و آینده‌نگری و حسن نیت و احساس مسئولیت بود و همزمان، نتیجه‌ی این دادگاه نیز بیانگر حقانیت مبارزات حزب دمکرات و ملت کرد و اپوزیسیون دمکرات و ترقی‌خواه ایران برای سرنگونی رژیمی بود که از بدو روی کار آمدنش تاکنون ترور و تهدید دگراندیشان اصلی‌ترین معرف آن می‌باشد. به طور خلاصه جنایت میکونوس و حکم نهایی دادگاه میکونوس، تاباندن نوری بر تاریکخانه‌ی اشباح رژیم تروریست‌پرور جمهوری اسلامی بود.

این دادگاه استقلال قضایی خود را حفظ نمود و حکمی شجاعانه صادر کرد. بعدها مشخص شد که این تصمیم مهم و مستقل آنها نه تنها از لحاظ سیاسی به سود آلمان بود، بلکه در بسیاری جنبه‌های دیگر نیز به سود کشورهای کوچک و بزرگ غربی تمام شده و بر سر راه عبور ایران از خطوط قرمز حاکمیت کشورهای غربی موانعی ایجاد شد و رژیم پس از حکم این دادگاه دیگر نتوانست مانند سابق به ترور شخصیت‌های سیاسی مخالف خود ادامه دهد. این استقلال و شجاعت دادگاه میکونوس در سطحی بود که انجمن وکلای فدرال آمریکا پس از ۲۲ سال، از قضات این پرونده تقدیر به عمل آورد. دادگاه میکونوس در ۱۰ آوریل ۱۹۹۷ حکم نهایی خود را صادر نمود و در ۹ دسامبر ۱۹۹۸ بصورت نهایی این حکم را تأیید نمود و اهمیت مسأله آنجا بود که در زمان ریاست‌جمهوری خاتمی و به اصلاح‌طلبان حکومتی روی داد و ریاکاری‌های خاتمی نیز نتوانست در این مسأله بر حکم نهایی دادگاه تأثیر بگذارد. در حکم نهایی دادگاه، رژیم ایران و

شهادت رسیدند. در آلمان دادگاهی که بعدها به دادگاه میکونوس شهرت یافت، برای روشن شدن جنبه‌های مختلف این جنایت تشکیل شد و در ۲۸ اکتبر ۱۹۹۳ رسماً کار خود را آغاز نمود. در جریان برگزاری دادگاه بسیاری از جوانب این جنایت و حتی سایر جنایت‌های عوامل ترور میکونوس آشکار شد. یکی از حقایق بسیار مهمی که در روند برگزاری دادگاه آشکار شد، سیستماتیک بودن ترور و تصفیه‌ی مخالفان و دگراندیشان از سوی رژیم جمهوری اسلامی بود که برای نیل به اهداف خود، نهادی تحت عنوان "کمیته‌ی امور ویژه" تشکیل داده بود که فراتر از قوانین رسمی و دولت و مجلس تصمیم می‌گرفت و در رابطه با کلیه‌ی مسائل سیاسی و امنیتی تصمیم نهایی را اتخاذ می‌کرد. این کمیته از رهبر رژیم، رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و وزیر اطلاعات تشکیل می‌شد و تصمیم نهایی توسط رهبر رژیم گرفته می‌شد. اهمیت آشکار شدن این کمیته در اینجا بود که همه‌ی دستگاه‌های امنیتی غرب پی بردند که با یک سیستم برنامه‌ریزی شده و پخته در زمینه‌ی تروریسم دولتی روبرو هستند و می‌بایستی بیش از گذشته هوشیار باشند. حتی نکته‌ی قابل توجه این است که در روند رسیدگی به پرونده در دادگاه، بسیاری از افراد و اقدامات داخلی رژیم و باندهای جنایتکار رژیم در داخل مورد بحث قرار گرفت و جهان آزاد را از چگونگی ساختار این رژیم آگاه نمود. استقلال این دادگاه در صدور رأی به عنوان یکی از مهمترین مسائل این پرونده قلمداد می‌شود. علیرغم به خطر افتادن روابط ایران و آلمان و احتمال متضرر شدن آلمان از لحاظ اقتصادی و همچنین علیرغم تحت فشار قرار گرفتن شدید قضات و همچنین دادگاه میکونوس،

چکو احمدی

ترجمه: شورش زندگی

ترور، تروریسم و تروریسم دولتی کلیدواژه‌هایی هستند که عامل به نتیجه رسیدن روند افشای جنایت رستوران میکونوس در دادگاهی بودند که به همین نام معروف گردید.

ترور، به معنای ارباب و کشتن فرد یا افرادی بدون در نظر گرفتن قواعد حقوقی یا بدون محاکمه و در نظر گرفتن مراحل دادرسی و نتایج آن است. انجام‌دهنده و مجری چنین عملی را تروریست می‌نامند. تروریسم دولتی زمانی معنا می‌یابد که ساختار قدرت یک حکومت با هدف سرنگونی یا ضربه‌زدن و وارد نمودن خسارت، در امور کشوری دیگر دخالت کند و مستقیماً در فعالیت تروریستی در آن کشور نقش داشته باشد و آن را انجام دهد.

پس از پایان جنگ میان ایران و عراق، بخش اعظم اپوزیسیون رژیم ایران دچار پراکندگی و ناامیدی وحشتناکی شدند. لیکن پیکار و تلاش در کردستان ایران ادامه داشت و مبارزه در راه آزادی و رهایی همچنان به طرز پرشوری در جریان بود. واقع‌بینی حزب دمکرات و رهبری این حزب و احساس مسئولیت در برابر آینده‌ی میهن سبب شده بود که به منظور اتحاد نیروهای دمکرات و ترقی‌خواه اپوزیسیون پیشقدم شود که سرآغاز این پیشگامی، گرد آوردن جمعی از فعالان سیاسی ایران از سوی دکتر صادق شرفکندی در رستوران میکونوس بود که متأسفانه هدف یک اقدام تروریستی و تروریسم دولتی قرار گرفت. در آن جنایت چهار آزادیخواه راستین و در رأس آنان، دکتر صادق شرفکندی، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران به

انقلاب فرهنگی یا زدودن فرهنگ انقلابی؟

شمال ترغیبی

ترجمه: عادل مرادی

مسأله‌ی تعطیل نمودن مراکز دانشگاهی از بدو روی کار آمدن این رژیم بوده است. این مراکز به عنوان کانون‌هایی تهدیدآفرین برای رژیم تازه به حکومت رسیده تلقی می‌شد و بدیهی است که جمهوری اسلامی نمی‌خواست این مراکز همچون سابق و همانند قبل از انقلاب به فعالیت خویش ادامه دهند و باید حداقل آنها را به گونه‌ای تغییر دهد که در خدمت حکومت و سیستم جدید باشند. بدین منظور در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹، گروه معروف به "دانشجویان پیرو خط امام" به دانشگاه تهران یورش برد و این امر سرآغازی برای تعطیلی و بستن دانشگاه‌ها برای مدت ۳ سال و همچنین متولد شدن اصطلاحاتی چون "وحدت حوزه و دانشگاه" و "انقلاب فرهنگی" شد. در تاریخ ۲۹ فروردین‌ماه ۱۳۵۹، خمینی در یک سخنرانی به تندی دانشگاه‌ها را خطاب قرار داده و گفت: "ما از تحریم اقتصادی و یورش نظامی هیچ باکی نداریم. ما از دانشگاه‌ها و پرورش جوانانمان در راستای منافع شرق و غرب واهمه داریم".

انقلاب به اصطلاح فرهنگی عبارت از مجموعه اتفاقاتی است که در سال‌های ۵۹ و ۶۲ خورشیدی به منظور پاکسازی دانشجویان و اساتید آزادیخواه به وقوع پیوستند و رژیم تهران اصطلاح «غربزده» را برای آنان به کار برد. در این مدت، محتوای اغلب کتاب‌های درسی و علمی بر اساس صلاحدید ستاد انقلاب فرهنگی تغییر

یافت و دیدگاه‌های اسلامی و ولایت فقیه‌ی جایگزین دیدگاه‌ها و آرای لیبرال شدند که گاهی اوقات نیز به عنوان فرایند اسلامی کردن دانشگاه‌ها نیز از آنان یاد می‌شود. در همین راستا، برای استخدام اساتید دانشگاه و دانشجوین، ۲ فیلتر جدید وارد عرصه نمودند، نخست: گزینش علمی و دوم: گزینش عقیدتی و سیاسی. به همین دلیل، از همان زمان به بعد، ایران شاهد مهاجرت میلیون‌ها فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و قشر آکادمیک به خارج از کشور بوده است که به عنوان پدیده‌ی «فرار مغزها» شناخته می‌شود. با آغاز انقلاب فرهنگی همان گونه که پیش‌بینی می‌شد، رژیم جمعی از قمه به دستان و باجگیران خویش را وارد دانشگاه‌ها نمود که میان آنان و دانشجویان آزادیخواه برخوردهای شدیدی روی داد که در نتیجه‌ی آن، افزون بر ۱۰۰۰ نفر در دانشگاه‌های شیراز، مشهد، تهران، بابلسر و جهرم مجروح شده و عده‌ای نیز کشته شدند. پس از به وقوع پیوستن این اتفاقات، خمینی دستور تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی را صادر کرد و در واقع، این شورا به مرکزی برای اتخاذ تصمیمات و صدور دستورات در این راستا برای تمام مراکز فکری بدل شد که نخستین اقدام آنان، اخراج یا خانه‌نشین نمودن اجباری اساتیدی بود که عقاید و باورهای جداگانه و مخالف با ایدئولوژی نظام ولایت فقیه داشتند و این روند تاکنون نیز ادامه دارد. یکی از پیامدهای این توطئه‌ی شنیع رژیم، کاهش مقالات علمی چاپ‌شده در

پس از پیروزی انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷ و سقوط رژیم شاهنشاهی، به دلیل فقدان یک آلترناتیو کارآمد و فعال برای جایگزینی رژیم سرنگون‌شده، دستاوردهای انقلاب از سوی گروهی آخوند فرصت‌طلب و سودجو به یغما رفت و دسترنج افشار ستمدیده‌ی ایران به باد رفت.

جمهوری اسلامی براساس خوانشی خاص از اسلام به سود خویش و با همکاری نیروهای سنت‌گرای جامعه توانست یک سیستم توتالیتر تأسیس نماید که در آن ایدئولوژی، ختم کلام بود و این امر نیز همچون حقیقی مطلق شناسانده شد، اما این قصه‌ی تلخ فقط به این امر محدود نشد و پایان نیافت و برای مستحکم ساختن پایه‌های این حکومت نامشروع و انحصارطلب و به منظور تحمیل هرچه بیشتر عقاید دگم ضروری می‌نمود که فضایی مملو از ترس و رعب غالب شود. بسیار گفته شده که جمهوری اسلامی با خون آبیاری می‌شود و بر همین اساس نیز می‌بینیم که تاریخ این نظام ضد بشری مملو از جنایت و ریختن به ناحق خون مردم و ارتکاب اعمال ضد بشری می‌باشد. یکی از اعمال نسنجیده‌ی جمهوری اسلامی که برای همیشه به عنوان لکه‌ی ننگی بر پیشانی‌اش ماندگار خواهد بود،

قطعه‌نامه‌ی اتحادیه‌ی اروپا و واکنش جمهوری اسلامی ایران

هیوا میرزایی



پارلمان اتحادیه‌ی اروپا در قطعه‌نامه‌ای ۷ صفحه‌ای که از ۳۲ بند تشکیل شده، مواضع خود را در قبال ایران در مورد مسائل مختلف تبیین کرده است. همین امر باعث اعتراض گسترده‌ی مسئولان جمهوری اسلامی ایران شده و این را دخالت مستقیم در امور داخلی ایران قلمداد کرده‌اند. در این قطعه‌نامه به شکلی صریح و آشکار از نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران انتقاد شده و حتی صریحاً از چگونگی انجام انتخابات ریاست جمهوری در ایران انتقاد شده است و این انتخابات را مغایر با معیارهای دموکراتیک دانسته‌اند. در این قطعه‌نامه مسئولین اروپایی موظف شده‌اند که در دیدارهایشان با مسئولین ایرانی به مسأله‌ی حقوق بشر بپردازند و به زمامداران ایرانی فشار بیاورند که حقوق بشر را رعایت کنند. همچنین از مسئولین اروپایی خواسته شده است که در سفرهایشان به ایران جدا از ملاقات با مسئولین جمهوری اسلامی، با مخالفان نیز دیدار داشته باشند. در این قطعه‌نامه از نقض حقوق ملیت‌های ایران نیز انتقاد شده و از جمهوری اسلامی خواسته شده است که حقوق ملیت‌ها و شهروندان ایرانی را رعایت نموده و به حقوق اقلیت‌های مذهبی و زنان احترام بگذارد. قطعه‌نامه همچنین خواستار تأسیس دفتر نمایندگی اتحادیه‌ی اروپا در ایران در سال ۲۰۱۴ شده است تا بدین وسیله برای رعایت

حقوق بشر در ایران فشار بیشتری بر رژیم وارد کنند. در این قطعه‌نامه بندهای دیگری به مسأله‌ی مواد مخدر، همجنس‌گرایان، محیط زیست و پایان دادن به اعدام‌ها در ایران اشاره شده است. در مورد مسأله‌ی اتمی، اتحادیه‌ی اروپا از توافق موقت ۱+۵ با ایران استقبال کرده است. در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی و نفوذ این کشور در سوریه خواستار آن شده است که در حل بحران سوریه، ایران رفتاری مسئولانه‌تر داشته باشد.

در اینجا به عکس‌العمل مسئولان جمهوری اسلامی نیز اشاره‌ای کوتاه

می‌کنیم. علی لاریجانی، رئیس مجلس رژیم در اولین جلسه‌ی رسمی مجلس بعد از تعطیلات نوروزی، این قطعه‌نامه را به یک بیانی‌هی سیاسی تشبیه کرده و مداخله‌ی صریح در امور داخلی ایران قلمداد کرد. وی همچنین اظهار داشت که ایران هیچگونه احتیاجی به قبول کردن استانداردهای دموکراتیک غرب ندارد و سیستم دموکراسی غرب را فرسوده و از کار افتاده دانست.

مرضیه افخم، سخنگوی وزارت خارجه‌ی رژیم نیز در این باره اعلام داشت که: "جمهوری اسلامی با الهام گرفتن از اصول دینی و اسلامی، حقوق بشر و حقوق

شهروندی را رعایت می‌کند و موضع

تروریستی از سوی عربستان نیز از تنگتر شدن حلقه‌ی فشار قدرت‌های عربی منطقه بر اسلامگرایان سنی و شیعه حکایت دارد. حتی در ترکیه نیز حزب اسلامگرایی عدالت و توسعه، در صدد ریشه‌کن کردن گروه سیاسی مذهبی موسوم به "جماعت فتح‌الله گولن" بر آمده است.

تمامی این فشارها و یأس جریان اسلام سیاسی سنی از قدرت‌های منطقه‌ای سنی‌مذهب، می‌تواند آنان را یک‌بار دیگر به سوی اردوگاه مخالف سوق داده و حول محور رژیم تهران گرد هم آورد.

نشانه‌های این تحول را می‌توان در انتشار خبر بهبود روابط جمهوری اسلامی و جنبش فلسطینی حماس، پس از سپری شدن یک دوره‌ی تیرگی و رابطه

سیاسی و نظامی به یأس مبدل نمود. وخامت اوضاع اخوان‌المسلمین در مصر، به زندان افتادن رهبران و اعضای آن، قرار گرفتن آن در لیست گروه‌های تروریستی از سوی حکومت جدید مصر و تأسیس شوراهایی چون عربستان و امارات متحده عربی به این اقدام، وضعیت را برای سازمان‌های مشابه و زیرشاخه‌های اخوان در منطقه نیز دشوار نمود.

اخیراً تعدادی از کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی، دولت قطر را نیز برای پایان دادن به حمایت از گروه‌هایی

چون اخوان‌المسلمین و اسلامگرایان تندرو در سوریه تحت فشار قرار دادند که البته این فشارها تا حدودی نیز آثار خود را بر سیاست دولت قطر نشان داده است. قرار دادن گروه‌هایی چون حزب‌الله لبنان، داعش و جبهه النصره در سوریه در لیست گروه‌های

بازگشت به تهران

سلام اسماعیل‌پور

سخنان بی‌سابقه‌ی خالد مشعل در در تهران در مخالفت با دیدگاه‌های خامنه‌ای و متعاقب آن نیز انتقال پایگاه‌های گروه تحت رهبری‌اش (حماس) از سوریه و لبنان به ترکیه و قطر و همچنین گرایش این گروه و اغلب گروه‌های وابسته به اسلام سیاسی سنی به حکومت اخوان‌المسلمین در مصر و دولت‌هایی چون ترکیه، قطر و عربستان سعودی به زودی نشان داد که اوضاع آن‌گونه که تهران انتظار داشت، به پیش نمی‌رود.

این امر برای سردمداران تهران قابل هضم نبود که بعد از سال‌ها انتظار برای تحقق خاورمیانه‌ی اسلامی مورد نظرشان، اسلام سیاسی از انحصار تیولداران یگانه‌اش در تهران خارج شده و حتی در خاورمیانه‌ی اسلامی نیز، چالش‌هایی از نوع جدید و این بار در راستای ایجاد تزلزل در ارکان گفتمان خویش را شاهد باشند.

اینجا بود که حاکمان تهران دریافتند که "بیداری اسلامی" حتی به شرط تحقق نیز نه تنها جهان اسلام را رام آنان نخواهد کرد، بلکه می‌تواند تبدیل به "چالشی علیه الگوی اسلام سیاسی دلخواه آنان" گردد، لذا تبلیغات سرسام‌آور آنان در باب "بیداری اسلامی" نیز تدریجاً فروکش نمود.

اما این نیز پایان کار نبود. تحول بعدی در این رابطه، شکست‌های متوالی اسلامگرایان در کشورهایی بود که انقلاب‌های بهار عربی در آن‌ها به پیروزی رسید. تصویب قانون اساسی سکولار در تونس، پیروزی سکولارها در لیبی و یمن و مهمتر از همه، افول سریع و سرنگونی اخوان‌المسلمین در مصر از تحولاتی بودند که شکل‌گیری بلوک جدید اسلام سیاسی را با دشواری‌هایی روبرو نموده و امید سازمان‌هایی همچون حماس را به دستیابی به سرچشمه‌های جدید پول و تدارکات و حمایت‌های

تحولات اخیر در منطقه‌ی خاورمیانه، صفت‌بندی جریانات منتسب به اسلام سیاسی را یک بار دیگر دگرگون نموده و به نظر می‌رسد که در مقطع کنونی بسیاری از این جریانات که پیشتر روابط نزدیکی با قدرت‌های منطقه‌ای قریب جمهوری اسلامی ایران داشتند، به بلوک تهران متمایل خواهند شد.

تحولات بهار عربی، به ویژه در مصر که با به قدرت رسیدن اخوان‌المسلمین، ریشه‌دارترین جریان اسلام سیاسی منطقه همراه بود، علیرغم اینکه مورد استقبال سران رژیم تهران قرار گرفت، لیکن دستیابی اخوان به قدرت سیاسی، عملاً به یک‌تازی رژیم تهران در رهبری جریانات مدعی اسلام انقلابی پایان داد.

رژیم تهران مدعی بود که انقلاب‌های عربی، به ویژه پس از پیروزی‌های انتخاباتی حزب النهضة در تونس و اخوان‌المسلمین در مصر، ادامه‌ی همان مسیری هستند که پس از پیروزی انقلاب ۵۷ و با برقراری رژیم ولایت‌فقیه در ایران آغاز شد.

تبلیغات گسترده و سمینارها و کنفرانس‌های متعددی که تحت عنوان "بیداری اسلامی" با صرف هزینه‌های سنگین از سوی جمهوری اسلامی برگزار می‌شد، نمایانگر تلاش رژیم برای القای محوریت و رهبری خود و گفتمان سیاسی‌اش در تحولات جدید منطقه بود.

اما این توهومات در همان آغاز و با سخنان رهبران اسلامگرایی مصر و تونس مبنی بر اجتناب از گام نهادن در مسیر خمینی و تلاش برای ایجاد الگوی جدیدی از اسلام سیاسی نقش بر آب شد.

جستجو کرد، دوره‌ای که طی آن رژیم تهران به شدت توان نفوذ و تأثیرگذاری بر مسائل فلسطین و به ویژه نوار غزه را از دست داد. همین کاهش نفوذ ایران در غزه عملاً به معنای یک دوره‌ی آرامش نسبی در روابط حماس و اسرائیل بود که از تأثیر سیاست دولت‌های مصر، ترکیه و قطر بر رفتار سیاسی این سازمان حکایت داشت.

چندی پیش سکوت ناشی از این دوره‌ی آرامش نسبی با توقیف کشتی حامل موشک‌های ارسالی سوریه و ایران به مقصد غزه شکسته شد و اینک نیز همزمان با انتشار خبر سفر قریب‌الوقوع خالد مشعل، رئیس دفتر سیاسی حماس به تهران، این سازمان اقدام به آزمایش موشک‌هایی نموده که دور دست‌ترین نقاط اسرائیل را می‌توانند هدف قرار دهند.

با توجه به این گزارش‌ها به نظر می‌رسد که در آینده شاهد فعالیت‌های بیشتر رژیم ایران در قضیه‌ی فلسطین و تشدید تنش‌ها میان جریانات فلسطینی با یکدیگر و با اسرائیل خواهیم بود. تمامی اینها البته می‌توانند تابعی از سیاست منطقه‌ای رژیم ایران و نوع تعامل آن با طرف‌های غربی بر سر مسائلی همچون سوریه و پرونده‌ی اتمی باشند.

جریانات اسلام سیاسی در عین وجود برخی اشتراکات کلی، همواره در درون خود بستر پیدایش تضادها و تعارضات روزافزون متعددی بوده‌اند. آیا دستگاه صدور رعب و ترور جمهوری اسلامی از چنان ظرفیتی برخوردار است که این مجموعه‌ی نامنسجم و نامتوازن دارای منافع و ایده‌آل‌های بعضاً متناقض را در راه پیشبرد اهداف خویش به خدمت گیرد؟ آیا یأس از قدرت‌های سنی‌مذهب منطقه، اسلام سیاسی سنی را به سوی اتحاد با رقیب سنتی شیعه‌اش خواهد کشاند؟ پاسخ این سؤالات، تعیین‌کننده‌ی نوع صف‌آرایی جدید نیروهای سیاسی و نتیجه‌ی تحولات جاری در خاورمیانه‌ی پراشوب خواهد بود.

دریاچهی ارومیه

ابراهیم ارومیه
(قاسمی زاد)

دریاچهی ارومیه، دومین دریاچهی شور جهان است که در حد فاصل استان‌های ارومیه و تبریز واقع شده و با شهرستان ارومیه ۱۸ کیلومتر فاصله دارد. این دریاچه در ارتفاع ۴۱۸۳ پایی از سطح دریا و در بین ۴۵ تا ۴۶ درجه‌ی طول شرقی و ۳۷ الی ۳۸،۳۰ عرض شمالی واقع شده است. طول دریاچه ۱۴۰ کیلومتر در راستای شمال به جنوب و عرض آن ۸۵ کیلو متر در گستره‌ی غرب و شرق و در نقاطی هم ۱۵ کیلومتر می‌باشد. مساحت آن به ۵ تا ۶ هزار کیلومتر مربع می‌رسد و از نظر تقسیمات کشوری قسمتی از آن در محدوده‌ی استان ارومیه و قسمت دیگر آن در استان تبریز قرار دارد. ولی از نظر مدیریت و سیستم تشکیلاتی، دریاچه‌ی ارومیه زیر نظر اداره‌ی کل حفاظت محیط زیست استان ارومیه اداره می‌شود. کرانه‌های دریایی از لحاظ آمیختگی مظاهر دو گونه زیست متفاوت، دنیای آب و جهان خاک را به هم آمیخته است. این در هم‌آمیختگی در حقیقت جنبه‌ی دلنشین بی نظیری دارد. هوای لطیف، نسیم دریا، آفتاب درخشان و آبی دریاچه و امواج دلنشین آن، پرواز پرندگان زیبا رنگ در آسمان صاف با صدها منظره خوشرنگ و چشم‌نواز، شهرنشینان ملول و مسافران خسته را مجال می‌داد که ساعاتی را دور از سختی‌ها و رنج‌های زندگی با فراغت خاطر و آسودگی خیال در آغوش طبیعت روح بخش و نشاط‌انگیز این دریاچه به استراحت بپردازند.

محصولات این دریاچه مانند شن و ماسه و لجن‌های کنار دریا برای درمان بیماری‌ها و ساختن برخی از داروها استفاده می‌شوند. یکی از محصولات بسیار با ارزش دریاچه و در عین حال یکی از اقتصادی‌ترین آبزیان آب‌های شور بنام آرتمیا، از خانواده‌ی سخت‌پوستان که نقش مهمی در تدبیه و پرورش ماهی‌ها و میگو دارد در صورتی که مورد استفاده صحیح قرار می‌گرفت، می‌توانست یک منبع مهم درآمد برای

ساکنین این حومه باشد. استفاده‌ی صحیح از این دریاچه و جزایر ۱۰۱ گانه‌ی کوچک و بزرگش با پارک‌های طبیعی متعدد و زیبای موجود در آن، بهشتی همیشه پنهان از دید و بازدید توریست‌ها را تشکیل داده که ظرفیت تبدیل منطقه به یکی از پردرآمدترین مراکز توریستی خاورمیانه را داشته و دارد. ولی امروز، طبق آخرین گزارش‌های رسمی کارشناسان، بیشتر از ۸۵ درصد از آب این دریاچه از بین رفته و در حال حاضر کمتر از ۱۵ در صد آن باقی مانده است. با توجه به کم شدن آب دریاچه در زمان‌های مختلف درصد شوری آب این دریاچه هم به شکل اسفناکی بالا رفته، چنانکه از ۱۰۰ گرم تا ۱۸۰ گرم نمک در هر لیتر آب به ۴۰۰ تا ۴۵۰ گرم در لیتر رسیده است. با این وضع می‌توان گفت که تقریباً آب دریاچه به حالت کاملاً اشباع رسیده و این مقدار نمک باعث هر چه بیشتر تبخیر شدن آب کم شد این دریاچه و در نتیجه سبب تسریع در مرگ آن می‌شود.

آب دریاچه ارومیه علاوه بر نزولات آسمانی و چشمه‌های داخلی از ۱۴ رودخانه‌ی فصلی و دائمی با حجم سالانه‌ی ۶ میلیارد متر مکعب تأمین می‌شود. طی دهه‌های اخیر، همراه با تغییر آب و هوای منطقه، گرم شدن هوا، کاهش نزولات آسمانی و تبخیر بیش از حد آب دریاچه، عملکرد نادرست و بیرحمانه حاکمان و رفتار بی‌برنامه‌ی خود مردم هم در تعمیق بحران آب دریاچه سهیم بوده‌اند. عوامل بسیاری در خشک شدن آب این دریاچه مؤثرند، ولی بسیاری از این عوامل ساخته و پرداخته برنامه‌های نادرست رژیم جمهوری اسلامی هستند. رژیم با ساختن بیش از ۲۵ سد بدون برنامه‌ریزی ژئولوژی و غالباً با اهداف سیاسی و امنیتی قصد تغییر دموگرافی و کنترل امنیتی منطقه در شرایط بحرانی را دارد. به همین دلیل با مسدود کردن آب‌های جاری به این دریاچه قصد دارد شاهراه‌های ارتباطی مناطق کوهستانی را بطور کلی به کنترل خود در آورد. این امر به کاهش شدید ریختن آب سالم به دریاچه انجامیده و رژیم برای جبران این کاهش، بصورت بی‌رویه پساب‌ها و بازمانده‌های

شیمیایی کارگاه‌های صنعتی را بدون تصفیه به دریاچه سرازیر می‌کند. این امر زندگی و فعل و انفعالات طبیعی در داخل دریاچه را تقریباً از بین برده است. احداث سدهای متعدد در مسیر ریختن آب‌های جاری به این دریاچه، به بهانه‌ی تأمین آب شرب و آب کشاورزی نه تنها میزان رسیدن آب به دریاچه را به شدت کاهش داده، بلکه به بهبود صنعت کشاورزی منطقه هم کمکی نکرده است. به ادعای رژیم ۹۰ درصد آب مورد نیاز کشاورزان منطقه از این سدها و بیشتر از ۶۰۰۰ حلقه چاه عمیق و نیمه عمیقی که در اطراف این دریاچه حفر شده‌اند، تأمین می‌شود. تحقیقات کارشناسی نشان می‌دهد که رشد کشاورزی منطقه بعد از احداث این سدها و حفر چاه‌ها نه تنها بهبود نیافته، بلکه سیر نزولی هم پیدا کرده است. بنابر این بر اثر برنامه‌ریزی غلط و کنترل ناصحیح مهندسی، در عمل بیشتر آب‌های ذخیره شده در سدها، بی جهت تبخیر و یا در مسیر مزارع کشاورزی به هدر می‌رود. این امر باعث تغییرات زیرزمینی در بستر آب‌ها شده است.

از شاهکارهای دیگر جمهوری اسلامی ساختن جاده دریایی بین شهرستان ارومیه و شهرستان تبریز می‌باشد. کلنگ احداث این پروژه در جریان جنگ کردستان و با اهداف نظامی زده شد. به همین دلیل، بجای برنامه‌ریزی دقیق مهندسی و استفاده از تکنولوژی مدرن پل و جاده‌سازی، به دستور ملا حسنی دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی با سرعت تمام بمدت چند سال به درون دریاچه سنگ و شن و ماسه ریختند.



با این کار سیاستگذاران نظامی رژیم سعی کردند مسیری بظاهر امنتر برای تحرکات نظامیشان ایجاد کنند، ولی در عمل دریاچه را به دو قسمت تبدیل کردند. این کار، یعنی ساختن جاده‌ی شنی در وسط دریاچه‌ای شور که بخشی از حیاتش را مدیون گردش جریان آب به شکل طبیعی بود، بخشی از دریاچه را به حالت سکون در آورد و از حرکت و گردش طبیعی آب آن جلوگیری کرد. این امر باعث مسدود شدن بسیاری از کانال‌های طبیعی زیر دریا، بالا رفتن درجه‌ی گرمای آب و در نتیجه، سرعت بخشیدن به جریان تبخیر شد.

ساختن جاده بر روی دریاچه‌ها در تمامی نقاط دنیا کاری برای تسهیل رفت و آمد و جابجایی سریع کالا، تأمین امکانات بهتر زندگی و آسایش مردم است. ولی جاده‌سازی و احداث پل از قواعد مخصوص به خود برخوردار است. در هیچ جا مشاهده نشده که برای ساختن پل یا جاده‌ی دریایی بر روی یک دریاچه بخش اعظم جاده را به وسیله ریختن بدون رویه‌ی شن و ماسه به درون آب‌های در حال گردش، بدون ایجاد منفذهای لازم بسازند. ولی متأسفانه این پروژه عماداً توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران به اجرا در آمد و به پایان رسید، بدون اینکه کسی یا وجدان آگاهی فرصت پیدا کند تا از این اقدام انتقاد نماید.

مداخله‌ی دولتی و سیستم مالی و تجاری حاکم بر مدیریت دریاچه، استفاده نادرست از آن و سیاست دولت و مقامات محلی با نگاهی تنگ‌نظرانه بظاهر قومی و ملیتی ولی در عمل تفرقه‌افکنانه و خصومت‌ساز، دریاچه

را در آستانه نابودی قرار داده است. با خشک شدن این دریاچه آب هوای معتدل حوالی دریاچه به هوای گرمسیر تبدیل شده و ریزگردهای نمک تمام زمین‌های کشاورزی را در معرض نابودی قرار می‌دهد. با این وضع زندگی قریب به ۱۴ میلیون نفر از ساکنان منطقه و همسایگان نزدیکش با خطر جدی روبرو خواهد شد.

با وجود این بحران با نتایج اسفبارش، مقامات محلی جمهوری اسلامی به جای اندیشیدن به تدابیر عملی برای نجات دریاچه، هنوز هم به فکر منافع شخصی و دولتی خود هستند. آخرین نمونه تلاش دولتی برای به اصطلاح نجات دریاچه ارومیه، برنامه‌ی دولت حسن روحانی بود که با سخنرانی‌های پر از وعده‌ی رئیس دولت در برنامه‌های تبلیغاتی‌اش برای مردم ارومیه به میان آمد. او وعده داده بود که نخواهد گذاشت دریاچه‌ی ارومیه خشک شود. وی با اشاره به این که در اولین روز آغاز به کار دولت حل مشکل دریاچه‌ی ارومیه را در دستور کار قرار خواهد داد، وعده‌ای را امیدوار کرد که شاید شتر عقیم هم بزاید. ولی همان‌گونه که مردم کردستان پیش‌بینی کرده بودند، هنوز هم پس از چندین ماه از آغاز کار دولت روحانی هیچ گام عملی در این مورد بر داشته نشده و این وعده هم مانند سایر وعده‌های روحانی و دیگر مقامات رژیم تنها در چهارچوب شعار باقی ماند.

دریاچه‌ی ارومیه حدود ۴۰ سال است که آثار بیماری خود را نشان می‌دهد، ولی هیچ یک از دولت‌های حاکم تاکنون تدبیری برای این بیماری نیندیشیده‌اند. برعکس، رژیم با بی تدبیری هر چه بیشتر به خشک شدن و از بین رفتن این دریاچه کمک کرده است. طبق نظریه‌های کارشناسان زمین‌شناسی و هواشناسی، با اقدامات کارشناسانه و تدابیر لازم از سوی دولت و مردم منطقه، حدود ۴۰ سال وقت لازم است تا سطح آب دریاچه به میزان مطلوب برسد و این دریاچه زندگی دوباره‌ی خود را باز یابد. ولی متأسفانه کلیه‌ی اقداماتی که تاکنون در این راستا می‌توانست انجام گیرد، به دلیل دید امنیتی غیر کارشناسانه‌ی رژیم و تنگ‌نظری‌های توأم با افراط در استراتژی نهفته‌ی ملی مقامات محلی بی نتیجه مانده و نجات آب نیلگون دریاچه‌ی ارومیه در حال تبدیل شدن به رؤیایی بی فرجام است.

گذری بر وضعیت کودکان در ایران

عارف ولزی

با هدف ترساندن هرچه بیشتر مردم و بر هم زدن جنبه‌های روانی جامعه سیاستی بوده که تا به امروز چه به شیوه‌ی مستقیم و چه از طریق رسانه‌های جمعی ترویج داده شده و تأثیرات منفی بسیاری بر جامعه ایران به جای گذاشته است.

این در حالیست که ایران میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی را که به موجب آن اعدام در ملأ عام ممنوع گردیده است، امضا نموده است، ولی می‌بینیم که این عمل وحشیانه و غیر انسانی روز به روز به منظور اهداف مشخص رژیم در حال افزایش است. بدون شک، نتیجه‌ی این

سیاست‌های قرون وسطایی جمهوری اسلامی ایران است که ما روزانه در سراسر ایران و در دنیای مجازی، خبر اسفبار حلق‌آویز شدن کودکان را می‌شنویم که به دلیل دیدن صحنه‌ی اعدام انسان‌ها در میادین شهرها و مراکز عمومی و تقلید از این عمل ضد انسانی به عنوان یک بازی کودکانه، جان خود را از دست می‌دهند و بار دیگر روح و روان جامعه را پریشانتر و بیمارتر می‌کنند. متخصصان روانشناسی و جامعه‌شناسی بر این باورند که دیدن صحنه‌ی به دار آویختن انسان‌ها در اماکن عمومی تأثیرات بسیار زیانباری بر افراد جامعه

جای خواهد



گذاشت و این تأثیر بر کودکان نیز چند برابر بیشتر خواهد بود.

در پایان تنها این را می‌توان گفت که مادران و پدران! دیدن و شنیدن این که کودکی به تقلید از اعدام انسان‌ها در انتظار عمومی، خود را به دار آویخته است، می‌تواند زنگ خطری برای هر کدام از شما باشد، چرا که هر لحظه احتمال دارد کودک خود شما طعمه شود و به دام سیاست‌های زمامداران جمهوری اسلامی بیفتد. به همین دلیل و برای جلوگیری از حوادثی اینچنین دلخراش، از رفتن و بردن کودکان برای دیدن صحنه‌ی اعدام دوری کنید و همکار و مشوقی برای پیشبرد هر چه بیشتر سیاست‌های قرون وسطایی جمهوری اسلامی ایران نشوید.

در راستای همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

بازتاب

فاتح صالحی

همه‌ی وعده‌های رئیس‌جمهور (ماده‌ی دهم)

داستان وعده‌های حسن روحانی به ملیت‌های ایران به سندی برای اثبات این واقعیت تبدیل شد که رئیس‌جمهور در نظام ولی فقیه تنها مجری فرامین رهبر نظام است و چهارچوب اختیارتش، در ظاهر تنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی باقی مانده است و در عمل هرکس به عنوان رئیس‌جمهور تعیین گردد، سخت بتواند وعده‌هایی بدهد که در چهارچوب نظام جایی نداشته باشد. مجموعه‌ای از آن وعده‌های توخالی، وعده‌هایی بود که حسن روحانی در جریان کارزار انتخابات به ملیت‌های ایران داد. وعده‌هایی که مجموعه‌ای از حقوق اساسی و اولیه‌ای بودند که در همه‌ی کشورهای دمکراتیک جای بحث کردن ندارند اما در تاریخ جمهوری اسلامی به تابویی تبدیل گشته‌اند. حقوقی اولیه و بنیادین که هرکسی بخواهد آمار رأی‌های خویش را در انتخابات‌های جمهوری اسلامی بالا ببرد به آن‌ها پناه خواهد برد.

ماده‌ی دهم: "واگذاری مسئولیت برنامهریزی و هماهنگی‌های لازم به یکی از معاونین رئیس‌جمهور برای تحقق وعده‌های داده شده."

اما خود این وعده یکی از آن وعده‌هایی بود که در نطفه خفه گردید و حسن روحانی هرگز نتوانست آن را عملی نماید و در نخستین گام، دروغ بودن این وعده کاملاً به اثبات رسید که روحانی هم در تحریف و وارونه نشان دادن حقایق جامعه استاد است و در فریب دادن عده‌ای به اصطلاح روشنفکر که حافظه‌ی تاریخی آن‌ها بیش از هر کس دیگری کوتاه‌مدت است، به آسانی با مشتی آب به شنا کردن می‌افتند و طولایی دارد.

چراکه حسن روحانی نه تنها نتوانست یکی از پست‌های معاونت خویش را به این امر اختصاص دهد، بلکه سطح وعده‌ی خویش را تا اندازه‌ای پایین آورد که فردی را به عنوان دستیار ویژه‌ی رئیس‌جمهور در امور اقوام تعیین نمود که خود یکی از مشکلات و معضلات اساسی ملیت‌ها در سال‌های اخیر بوده است. فردی همچون یونسی وزیر سابق اطلاعات رژیم که اکنون آشکارا همه‌ی حقوق بنیادین این ملیت‌ها را نادیده می‌گیرد و وجود آن‌ها را انکار می‌کند و به زعم خویش توانسته است مشکل ملیت‌ها را از راه پست نمایی خود (دستیار ویژه‌ی رئیس‌جمهور در امور اقوام) حل نماید، پستی که به گفته‌ی خود یونسی هنوز در چهارچوب رژیم دایره‌ی فعالیت‌ها و توانایی‌هایش مشخص نیست و قدرت اجرایی ندارد، بلکه تنها به عنوان بازویی فکری دستیار رئیس‌جمهور در امور اقوام است و در واقع تهی از معناست.

برای لاغر شدن آفتاب بگیرید

ارتباطی با کالری و ورزش ندارد. "فیلیس ری" متخصص ساعت بیولوژیک در این دانشگاه گفت: قرار نگرفتن در برابر تابش نور خورشید در اوایل روز و صبح‌ها باعث کاهش گرمای بدن می‌شود و به تبع آن، باعث چاقی فرد می‌شود.

طبق این تحقیق، بهترین زمان برای قرار گرفتن در برابر تابش نور خورشید ساعت ۸ صبح تا ۱۱ صبح می‌باشد.



براساس یک تحقیق علمی که در کالج "فاینبرگ آمریکا" انجام شده است، قرار گرفتن در معرض تابش نور خورشید باعث کاهش وزن می‌شود. نتیجه‌ی این تحقیق، راهی جدید برای کاهش وزن می‌باشد، هر چند پزشکان و متخصصان راهنمایی‌هایی برای کاهش وزن ارائه می‌دهند از جمله: کاستن از خواب و خوراک برای مدتی طولانی. براساس این تحقیق، نور خورشید در اوایل روز و صبح‌ها بر روی چربی بدن مؤثر است و این امر

قلب انسان نمی‌تواند فضای مریخ را تحمل کند

بیشتر به صورت گرد در می‌آورد. این امر از توانایی قلب برای فرستادن خون به

و آن را

براساس یک تحقیق جدید، گردش بر روی سیاره‌ی مریخ که ۱۸ ماه به طول می‌انجامد، باعث مبتلا شدن انسان به مشکلات و بیماری‌های قلبی می‌شود. سازمان فضایی ناسا که این تحقیق را انجام داده است، ۱۲ فضانورد را به مدت ۶ ماه در ایستگاه فضایی خویش، در شرایط مشابه شرایط موجود در مریخ قرار داد و آشکار شد که فضا نوردان مشکلات جدی قلبی می‌شوند.



براساس این تحقیق، اقامت طولانی مدت در فضا، شکل قلب انسان را تغییر می‌دهد.

قسمت‌های مختلف بدن و تپش قلب می‌کاهد.

از طریق نوع غذای مصرفی، شخصیت خود را بشناسید

به خوردن کاهو علاقه دارید،

مقام‌طلب و جاه‌طلب و خواهان رهبری مردم هستند. افرادی که علاقه‌ی بسیاری به مصرف سبزیجات دارند، افرادی آرام، اما در کارهایشان مردد هستند. اگر

خوراک و تغذیه از نیازهای اولیه و اصلی انسان است، به همین دلیل، نوع خوراک و غذایی که مصرف می‌نمائیم، بر روی شخصیت ما تأثیرگذار است. براساس یک تحقیق آمریکایی، مواد خوراکی که در ذیل به آنها اشاره می‌شود، بر روی شخصیت انسان‌ها مؤثرند و با توجه به نوع خوراک مصرفی می‌توان شخصیت افراد را تشخیص داد:

افرادی که علاقه‌ی بسیاری به مصرف گوشت دارند، افرادی هستند که



فردی تحمیل‌گر و عصبانی هستند. اگر به

خوردن سیب علاقه دارید، فردی خوش‌شانس و عاطفی هستید.

اگر به خوردن موز علاقه دارید، فردی دلخوش هستید که توانایی رفع مشکلات را دارید.

اگر به خوردن هویج علاقه دارید، فردی اجتماعی و خویشتن‌دار و به شیوه‌ای آرام رفتار می‌کنید.

فردی سریع و تأثیرگذار هستید و سعی صدر و شخصیتی مهربان دارید. اگر به خوردن شکلات علاقه دارید،